



بسم الله الرحمن الرحيم

ولایت و حکومت قانونمند الله و

ولایت و حکومت مطلقه استبداد

(مطلقه = بی قید و نامحدود ، قانونمند = دارای حدود و ضابطه)
در مورد ولایت و حاکمیت الله و چگونگی تصرف باری تعالی در امور جهان و انسان چیزهای عجیب و غریبی گفته شده ، که واقعا جای تاسف ، و در عین حال ، مظهر بد فهمی از نظام و حاکمیت الهی ، و نیز مایه گمراهی و موضعگیریهای خطرناک میباشد ، و چون این درک علیل و موضع خطرناک ، بیشتر از طرف مدافعان به اصطلاح نظام الهی صورت گرفته ، مسئله را هر چه بغرنج تر کرده ، و بسیاری در همین رابطه و در اعتراض به این فهم و موضع دچار مشاکل عقیدتی و سیاسی شده اند . و در راس این بد فهمی ها و موضعگیریهای خطرناک ، انتساب قدرت و حاکمیت مطلقه به الله است ، که مبنی بر اعمال هر آنچه که در اذهان علیل و یا مغرض می گنجد ، می باشد ، ولی تحت عنوان هر آنچه که الله بخواهد!! منعکس شده است!! ، قدرت و خواستی که کور تصور شده و مایه مشاکل و حتی نگرانیهای زیادی برای مؤمنان و علاقه مندان به توحید فراهم کرده است . اما چیزی که واقعا می توان گفت که از همه اینها سخیفتر است ، تشبیه حکومت و عملکرد مستبدین و نظامهای استبدادی به عملکرد الله است!! ، و مثلا گفته میشود که :

فلان مستبد، خدا نیست که دارای قدرت مطلقه باشد و هر کاری که خواست انجام دهد!!، که چنین جملاتی **اولا** بیانگر انتساب منطق کور و فوق قانونی به الله است!!، **ثانیا** تشبیه عملکرد کور و بیهدف مستبدین به منطق الله میباشد!!، تا جایی که حتی طاغوتیان کذابی که خود را جا نشینان الله و منتصبان الله و آیات الله و سایه‌های الله معرفی کرده و خائن به خدا و خلق هستند، قدرت استبدادی و مطلقه خود را ادامه قدرت الهی دانسته و حکومت تحمیلی و استبدادی خود را دارای منشاء الهی تبلیغ می کنند. و کسانی نیز به اصطلاح از سر دلسوزی میگویند که: هیچ کسی قدرت مطلقه ندارد و کسی نمیتواند مدعی قدرت مطلقه و دلخواه بشود!!، زیرا قدرت مطلقه و دلخواه ویژه الله است!!، و همه اینها چیزی نیست جز سهل انگاری و بد فهمی و افتراء به الله رب العالمین.

آنچه واقعیت نظام توحیدی و ماهیت ولایت و حاکمیت الله و چگونگی عملکرد رب السماوات والارض است، و این واقعیت تفصیلا در قرآن آمده، چنین میباشد: ولایت و حکومت الله قانونمند و ضابطه دار است نه مطلقه، و این ولایت و حکومت، مظهر علم و قدرت بی پایان و بی انتهای اوست. ذات و هستی الله محدودیت بردار نیست و ازلی و ابدی و نامحدود و بی پایان است، اما ولایت و حکومت الله محدود در قوانین و احکام و اوامری است که الله بنابر علم و قدرت بی پایان و نامحدود خودش مقرر و تعیین کرده است، و قوانین و سنن الهی که حاکم بر جهان و انسان هستند، تغییر ناپذیر و ابدی هستند. و آیه: *فلن تجد لسنة الله تبديلا و لن تجد لسنة الله تحويلا* «هرگز در سنت و قانون الله تبديل و تغييری بوجود نمی آید و هرگز در سنت و قانون الله دگرگونی و افراط و تفریطی پدید نخواهد آمد، نمونه ای از صدها آیه ای است که مصداق این واقعیت است. در نتیجه نظام الهی و توحیدی، نظام قانون و انسجام پایدار است، و پاداش و مجازات الهی هم، چه در دنیا چه در آخرت، با توجه بهمین قوانین و سنن مقرر شده، تنظیم شده است. بدین صورت ولایت و حکومت الله در جهان طبیعت متکی به سنن ابدی و پایدار و نظم آفرین

است ، و نظام هستی که حاکم بر کرات و جمادات و نباتات و ذیحیات است ، متکی بر این سنن و قوانین است . در حیات بشری نیز این سنن و قوانین و احکام الهی مبنی بر خیر و صلاح بشریت بوده و برای یک زندگی مطمئن و سرنوشت سعادت آفرین میباشد ، و خلیفه الهی نوع بشر که در قرآن تصریح شده ، بیانگر توجه الله و خالق هستی به انسان است . و در قاموس الهی سرنوشت شوم و بد متوجه کسانی است که ولایت و حکومت خالق و قوانین خلقت را نفی و انکار میکنند و مایه فساد و انحراف در زمین و در میان زمینیان میشوند . قانون و ضابطه که خمیر مایه ولایت و حکومت الله است ، موجد نظم و انسجام و تعادل است ، و همین خاصیت است که موجب ظهور عدالت الهی شده است . زیرا منشاء عدالت ، نظم و انسجام و بودن هر چیزی در موقعیت خودش می باشد ، و نظام هستی و حاکم بر جهان (وحی تکوینی) و قوانین مکتوب و ارسال شده (وحی تشریحی) ، مظهر ولایت و حکومت و عدالت قانونمند الله هستند .

ولایت و حکومت مطلقه؛ ویژه رؤسا و اربابان متفرقه استبداد و شرک و مادیت بوده و مظهر جهل و ضعف میباشد و کور و بی جهت است . در نظام مطلقه استبدادی نه قانون وجود دارد و نه انسجام و نظم ، و پاداش و مجازات مردم هم ، متکی و مبنی بر هیچ قانون و مقرراتی نیست . و این هوی و هوس مستبدین و منافع شخصی و خانوادگی آنهاست که ولایت و حاکمیت دارد ، و چگونگی برخورد با مردم هم ناشی از هوای بی قید آنها و منافع نامشروع آنها و روحیات فاسد آنها و عقل و فهم ناقص و علیل آنهاست ، و همین مطلقیت استبدادی و فوق قانونی، موجب آشفتگی و هرج و مرج و تبعیضات نامحدود میشود و زمین و زمان را به فساد می کشاند و جوامع بشری را غرق میسازد . و نظامهای استبدادی و شرک آمیز و مادی که بی سرانجام و مملو از آشفتگی و فساد و هرج و مرج هستند، مظاهر ولایت و حکومت مطلقه رؤسای استبداد و شرک و مادیت میباشند . ایران استبداد زده و تحت سلطه ولایت و حکومت مطلقه نظام استبدادی خمینی نیز که فساد و فحشاء و هرج

و مرج در آن بیداد میکند و مبشر سرنوشت شوم استبدادیان مطلقه است ، مثال بارز ولایت و حکومت مطلقه استبداد است . ولایت و حکومتی که جزو نادان‌ترین و ناتوان‌ترین‌ها است : از فهم عملکرد خود عاجز ، از بیرون آمدن از جبرها عاجزتر ، و از اقناع مردم و حل مشکلات آنها عاجزترین است .

سازمان موحدین آزادیخواه ایران

۲۷ جمادی الاول ۱۴۲۳ - ۱۵ مرداد ۱۳۸۱